

نگاهی به پیشینه شهرنشینی و شهرهای اسلامی قدیم

نگارنده: پوهنمل علی احمد کاوه^۱

چکیده

عام‌ترین تعریفی که از شهر ارائه گردیده است، آن را مکان اسکان گروهی انسان‌ها و محل فعالیت‌های آن‌ها می‌داند. داده‌های علم تاریخ، باستان‌شناسی و انسان‌شناسی نشان می‌دهد که نوع انسان امروزی (هوموساپین) پس از ده‌ها هزار سال کوچ‌نشینی و صحراگردی، با آماده شدن زمینه اسکان دایمی‌شان، توانسته برای خود سرپناهی گلی، چوبی، سنگی و خشتی بسازد و تهداب نخستین دهکده‌ها و روستاها را بگذارد که در نهایت به شهرهای نخستین بدل شدند. پسان‌ها و با تشکیل هسته‌های بزرگ‌تر اجتماعات انسانی و پیدایش هسته‌های نخستین دولت‌ها، نخستین شهرها و مدنیت‌ها هم‌شکل گرفت. قدیم‌ترین شهرهای دنیای قدیم در ناحیه بین‌النهرین و شبه‌جزیره هندوستان و شمال آفریقا پیدا شد و پسان‌ها با گسترش کشاورزی و تجارت و پیدایش امپراتوری‌ها شهرهای بزرگ و کوچک زیاد در نواحی مختلف دنیا شکل گرفت و رشد نمود. امروزه و فقط در سده بیست و یکم میلادی است که دنیای ما برای نخستین بار شهرنشین شد؛ بدین معنا که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت دنیا در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی می‌کنند. این مقاله پس از معرفی مفهوم شهر و ویژگی‌های آن نگاهی گذرا به پیشینه شهر و شهرنشینی و ساختار شهرهای اسلامی در گذشته تاریخی این سرزمین دارد.

^۱. عضو کادر علمی دیپارتمنت جامعه‌شناسی دانشگاه هرات

کلیدواژه‌گان: شهر، شهرنشینی، مورفولوژی شهر و شهرهای اسلامی.

مقدمه

واژه شهر در زبان‌های ایرانی، پیشینه‌ی بس کهن دارد. بخش نخست واژه اوستایی «خشتر وئیره» (شتریور در زبان پهلوی و شهریور در زبان فارسی) به معنای شهر هم هست. در زبان پهلوی «خشتر» به «شتر» بازگفته شده و در زبان فارسی شهر جای «شتر» نشسته است. در زبان‌های باستانی ایران، واژه شهر به جای کشور هم به کار می‌رفت. این شیوه در ایران سده‌های میانه نیز کاربرد داشت. فردوسی در "شاهنامه"، ابوریحان در "الفهیم" و یاقوت در "معجم البلدان"، شهر ایران و ایران‌شهر را به جای کشور به کار برده‌اند (آصفی، ۱۳۶۸: ۶۵).

واژه «پولیس» در زبان یونانی برای شهر به کار برده می‌شد که به معنای «ارگ»، یعنی حصار یا پیرامون هرگونه دژ طبیعی است و در حقیقت معنای پناه‌شهر یا محل تحصن به منظور اعطای امنیت یا به دست آوردن امکان آزادی می‌دهد (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۸). در زبان‌های لاتین هم، واژه Urban (انگلیسی) و Urbain (فرانسوی) از ریشه لاتین Urbanus، یعنی شهری یا متعلق به شهر و از Urbs که به شهر رُم اطلاق می‌شد، می‌آید (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۶).

در زبان فارسی دو واژه «شار» و «شهر» که مورد استفاده جدید قرار گرفته‌اند، دارای ریشه‌های باستانی اند. شار یا شارستان خود از ریشه شهر گرفته شده که به صورت‌های قدیم تر «شتر»، «خشتر» از ریشه «خشی» به معنای شاهی کردن آمده است؛ از این رو، یگانگی مفاهیم شهر، کشور، پادشاهی و پادشاه و وجود یک‌بار معنایی بسیار مقدس در این واژگان مشخص می‌شود...؛ زیرا این شهر درواقع شهر - قدرت است؛ یعنی محل استقرار قدرت پادشاهی (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۸).

تعاریف مختلفی از مکان شهری شده است که هیچ کدام به تنهایی رضایت‌بخش نیست. گاهی اوقات شهر، بر اساس فرهنگ شهری (تعریف فرهنگی)، گاهی بر اساس کارکرد اداری (تعریف سیاسی - اداری)، گاهی بر اساس تعداد جمعیت (شاخص جمعیت‌شناختی) تعریف می‌شود؛ برای مثال به لحاظ فرهنگی، شهر مجموعه‌ی است از آداب، رسوم، سنت‌ها و نیز مکانی که در آن روابط، به تعبیر جامعه‌شناختی، از نوع گزل شافت است؛ یعنی بر آن روابط غیرشخصی و ثانویه

حاکم است. هم‌چنین، سازمان‌های اجتماعی شهر از نوع ارگانیک‌اند نه مکانیک. به‌اجمال، شهر بزرگ و از تنوع اجتماعی و فرهنگی برخوردار است (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۹).

درکلی‌ترین تعریف، شهر را مکان اسکان گروهی انسان‌ها و شمول فعالیت‌های آن‌ها می‌داند (ربانی، ۱۳۸۵: ۱)؛ به‌طورکلی، شهر فضایی دارای حد و حصر است که جمعیت زیاد و متراکمی در آن زندگی می‌کنند؛ این جمعیت از لحاظ فرهنگی نامتجانس است. شهر مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی است که در آن، فعالیت اصلی مردم، غیر کشاورزی است و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولت محلی، اداره می‌شود (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۹). شهر فقط ساختمان نیست؛ بلکه مکان انسان‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های اجتماعی، طبقات، خانواده و غیره می‌باشد (توسلی، ۱۳۷۴: ۴؛ آصفی (۱۳۶۸: ۶۶). در تلاشی برای توصیف و تعریف شهر، با در نظر داشت تعاریف و ویژگی‌های مختلف، بیش از ده روی کرد و نگاه به تعریف شهر ذکر می‌کند که هر کدام از زاویه خاصی شهر و زندگی شهری را توصیف می‌کنند.

از پدیده شهرنشینی تعاریف گوناگونی ارائه شده است که این خود مؤید ماهیت پیچیده و چند وجهی شهرنشینی است. نگاه و تعریف این پدیده (مثل تعریف شهر) در علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری با تفاوت‌هایی همراه است.

شهرنشینی فرآیندی است که طی آن تغییراتی در سازمان اجتماعی، سکونت‌گاه انسانی به وجود می‌آید که حاصل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت می‌باشد. از نظر سازمانی، شهرنشینی دگرگونی‌هایی در ساخت اجتماعی- اقتصادی و نظام آموزشی و هنجاری ایجاد می‌کند. در واقع، شهرنشینی فرآیندی است که در آن، تغییرات اجتماعی، نوگرایی و تمرکز جمعیت صورت می‌گیرد.

پیشینه شهر و شهرنشینی

با نگاهی به ادوار قدیم تاریخ و زندگی انسان اولیه، به خوبی در می‌یابیم که در سیر مکان‌های مختلف زیست‌محیطی، یعنی از غار تا قصر، همواره عنصری به نام نیاز در رفتار او مشاهده می‌شده است. نیاز به امنیت، نیاز به مسکن، نیاز به غذا، نیاز به پوشاک و از همه مهم‌تر نیاز به زندگی اجتماعی را در خود احساس می‌کرده است. هرچند منشای تفکر به سرپناه در آدمی کاملاً روشن

نیست و گاهی در کاوش‌ها نتوانستند فرقی بین کاشانه آدمیان و آشیانه برخی حیوانات بیابند؛ در بررسی از آثار مربوط به «هوموساپین» ها می‌توان توانایی مردمان در ساخت مأمن را همراه با شناخت اشکال هندسی مقارن دانست. حتا در مورد «نئاندرتال‌ها» سال‌ها تصور می‌شد که در غارها زندگی می‌کرده‌اند؛ لیکن اکنون دانش‌مندان متوجه ساختن سرپناه توسط خودشان شده‌اند (غنی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

به‌هرحال انسان امروزی، در این دوره‌های خیلی اخیر از تاریخ چند صد هزار ساله خود موفق به اسکان دائمی و پسان‌ها شهرهای مستحکم با برج و باروهای آن شد. آغاز شهرنشینی انسان با آغاز آنچه تمدن می‌گوییم به گونه‌ی باهم است. تمدن هم که از ریشه مدینه (شهر) می‌آید ربط بسیار نزدیکی با شهر و زندگی شهری دارد و در حقیقت شهر و شهرنشینی و مقتضیات زندگی شهری بود که انسان‌ها را از حالت بدوی به حالت متمدنانه رساند و کاروان تمدن مسیر خود را از هزاران سال پیش تا امروز برجهان بشری گسترانده است. عوامل مختلفی در زمینه‌سازی انتقال انسان‌ها از حالت بادیه‌نشینی به شهرنشینی دخیل بوده که از آن میان می‌توان به مسائل زیر اشاره کرد: "مازاد تولیدات کشاورزی، افزایش جمعیت و یکجانشینی، پیشرفت تکنیک، تولید محصولات متنوع، توسعه روابط کالایی به پیدایش دولت و بالمآل به تحول اجتماعی و دگرگونی فضایی امکان داده و نمود عینی آن به صورت یک پدیده نو که همانا ایجاد و توسعه شهر می‌باشد منجر شده است" (نظریان، ۱۳۷۲: ۱۳۵).

نخستین سه تمدن جهان، بر اساس زمان آغاز آن‌ها بین‌النهرین، مصر و هند هستند که به تمدن‌های مرده مشهور بوده و تمدن غربی، از همین سه تمدن نشأت گرفته است. تمدن چین، استثنای خارق‌العاده‌ی است و فرهنگ خدشه‌ناپذیر آن، از ابتدای پیدایش، در سه هزاره پیش از میلاد، در حاشیه رود زرد تا قرن بیستم میلادی همچنان تداوم داشته است؛ با آن که قدمت شهر به ۷ تا ۹ هزار سال می‌رسد؛ اما با تناسب به عمر تکاملی انسانی امروزی (هوموساپین) پدیده نسبتاً جدید است و فقط به سبب همین دوره کوتاه برای آن لقب تمدن به کار می‌رود (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۳۶). برای اولین بار انسان‌ها یکجانشین شدند تا غذای اضافی تولید کنند. سرانجام، دهکده‌های زیادی پدیدار شدند (همان: ۳۹).

ظهور انسان اندیشه‌ورز (*Homo sapiens*) روی زمین به حدود صد هزار سال قبل می‌رسد. او به مدت نود هزار سال هیچ سکونت‌گاه دائمی، حتا به شکل دهکده‌های کوچک نداشت. به اعتقاد برخی، پیدایش اولین سکونت‌گاه دائمی و به دنبال آن شیوه خاصی از زندگی که به آن «تمدن» می‌گویند، در حدود ده هزار سال پیش بوده است. زمانی که گرم شدن اقلیم زمین سبب شد تا کشاورزی و دام‌پروری پدیدار شود (فکوهی؛ ۱۳۸۵: ۲۳).

شهرها خاصیت مشترکی دارند و آن، تمرکز افراد در یک فضا، برای برآوردن خواسته‌های مشترک‌شان است؛ بنابراین، تفاوت خواسته‌های مشترک افراد، در دوران گوناگون تاریخ است که باعث پیدایش نظریه‌های مختلف، درباره دلایل به وجود آمدن شهر، شده است؛ برای مثال، فوستل دوکولانژ، تاریخ‌نگار فرانسوی، معتقد است که شهرهای قدیمی را نباید با شهرهای جدید مقایسه کرد. در عصر حاضر، دلایل برتری برای اثبات شهر، دلایل اقتصادی است (شکیبامقدم، ۱۳۸۴: ۲۵۳، ۲۵۷). در گذشته هم عوامل متعددی چون جمعیت‌شناختی، اقتصادی، سیاسی و... بوده که انسان‌ها را کنار هم جمع نموده و پسان‌ها به شهر و شهرنشینی انجامیده است.

ابن خلدون بر این باور بود که مردمان زیر فشار نیاز زندگی، به ساختن شهر می‌پردازند، بنیاد آغازین شهر در گرو پیدایش گروه‌های انبوهی از مردمان است. این گروه‌های انبوه هنگامی به بنیاد شهر می‌پردازند که در زمینه‌های گوناگون توان دستیابی به ابزارها و بن‌مایه‌های مادی را پیدا نمایند. این توانایی آن برانگیخته‌گی یا همبسته‌گی را به هستی می‌آورد که بهره‌اش پیدایش دولت است؛ بدین‌سان، از دید ابن خلدون، شهر و دولت هم‌چون دو همزادند. ابن خلدون در مورد بنیاد شهرهای بزرگ و توسعه آن‌ها می‌نویسد؛ چون شهرهای بزرگ دارای ساختمان‌ها و عمارت‌های بزرگ است، ایجاد آن‌ها به نیروی انسانی زیاد و ثروت هنگفت نیاز دارد؛ بنابراین فقط پادشاهان و دولت‌های مقتدر می‌توانند با اجیر کردن و یا به بردگی کشیدن جمعیتی که این امر از امور ضروری آن‌ها نیست، اقدام به ایجاد چنین عمارت‌ها و شهرهای بزرگی کنند: «پس برای ساختن قصبات و بنیان نهادن شهرهای بزرگ هیچ راهی نیست جز این که به نیروی دولت و پادشاهی انجام یابد» (ابن خلدون، ۱۳۹۰: ۱۱/۲).

ابن خلدون منشأ بنیاد شهرها را خصوصیات تجمل خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت می داند و شرح آن این است که ساختمان کردن شهرها و بنیان نهادن خانه ها بی گمان از انگیزه ها و تمایلات شهرنشینی است که تجمل خواهی و ناز و نعمت و سکون و آرامش موجب بنیان گذاری آن ها می شود؛ چنان که در پیش یاد کردیم و این وضع پس از مرحله بادیه نشینی و انگیزه ها و تمایلات آن است (همان، ۱۳۹۰: ۱۱/۲).

با یک بررسی تاریخی و جامعه شناختی می بینیم که پس از کشف فلز، قشر صنعت گر به وجود می آید و به تبع آن انبار کردن محصول و مازاد تولید، مبادله، اقشار اجتماعی، خط و سازمان اجتماعی شکل می گیرد. بدین طریق، با ایجاد تخصص و حرفه و پیدایش قشر و طبقه و اختراع خط و ایجاد سازمان اجتماعی با عنوان حکومت، «شهر و شهرنشینی» شکل گرفت؛ زیرا شهر، چیزی نیست جز مجموعه پیچیده یی از اقشار، طبقات، حرف، سازمان های اجتماعی، تخصص ها و هماهنگی آن ها در یک فضای جغرافیایی معین. درواقع، شهرنشینی، فرآیندی است که در آن «تغییرات اجتماعی، نوگرایی و تمرکز جمعیت» صورت می گیرد. بدین سان، در پنج هزار سال قبل، تمدن یا شهرنشینی در خاورزمین از مصر تا ترکیه، از هند تا چین و در پیرامون مدیترانه، نشو و نما کرد و توسعه یافت و به مرور، به اروپا و سایر نقاط جهان رسید.

گردون چایلد، انسان شناس معروف انگلیسی، فرایند دگرگونی های جامعه انسانی را از آغاز تاکنون در چهار مرحله مهم تقسیم می کند:

۱. روزگار دیرینه سنگی (روزگار گردآوری خوراک)؛
۲. نوسنگی (روزگار پیدایی روستا و کشاورز و به کارگیری چهارپایان)؛
۳. روزگار انقلاب شهری؛
۴. روزگار انقلاب در دانش ها و صنعتی (آصفی، ۱۳۶۸: ۶۷).

به نظر گردون چایلد، در طی سلسله مراتب تکاملی جوامع، سه انقلاب بزرگ جهان را دچار تغییرات اساسی کرده است که عبارت اند از: انقلاب کشاورزی، انقلاب شهری و انقلاب صنعتی (شارع پور، ۱۳۸۹: ۴۲).

گوردون چایلد که تحول زندگی بشر را از کشاورزی و دامپروری به شهرنشینی، انقلاب شهری می‌نامد، با توجه به یافته‌های باستان‌شناسی، ده ویژگی را که زمینه‌ساز تمایز شهر از روستا و گسترش زندگی شهری شد به شرح زیر نام می‌برد:

۱. **گسترش شهرها:** نخستین شهرها در مقایسه با دهکده‌های سلف خود، وسعت و تراکم جمعیت بیشتری داشته‌اند؛ درحالی‌که به لحاظ وسعت، از بسیاری دهکده‌های امروزی کوچک‌تر بوده‌اند. این شهرها در مقایسه به سکونت‌ها گاه‌های قبلی هم بزرگ‌تر بودند و هم تراکم جمعیتی بیشتر داشتند.

۲. **ترکیب و عملکرد:** گرچه شهرهای باستانی، متشکل از کشاورزان و دامدارانی بود که در مراتع و زمین‌های پیرامون شهر به کار دامداری، کشاورزی و باغداری یا ماهی‌گیری در شهرهای سواحلی اشتغال داشتند؛ لیکن شهروندان دیگری نیز در شهرها می‌زیستند؛ این شهروندان، عبارت بودند از: متخصصان تمام‌وقت در رشته‌های گوناگون صنعتی، کارگران باربر یا مسؤول حمل‌ونقل، تجار، صاحب‌منصبان، کارکنان اداری و کاهنان معابد.

۳. **تمرکز ثروت:** هر تولیدکننده، مقداری از محصول کشاورزی، دامی یا مثلاً ماهی صیدشده خود را به عنوان «ده یک» یا مالیات به معبد خدایان یا سلطان خداگونه اهداء می‌کرد. هریک از کشاورزان برای مازاد اندکی که از زمین به دست می‌آورد، بخشی را به پادشان می‌داد که جمع‌کننده این مازاد بود.

۴. **بناهای عمومی:** بناهای عمومی نه تنها وجه تمایز شهرها از دهکده‌ها، بلکه نمادی از مازاد محصول اجتماعی به شمار می‌آید. هر شهر بین‌النهرین از همان آغاز، زیر سلطه یک یا دو معبد قرار داشت. این معابد در مرکز شهر بر بالای سکوی خشتی یا آجری بنا می‌شد؛ بدین ترتیب، مشرف و مسلط بر تمامی شهر بود. در کنار این بنای مرتفع که **زیگورات** نامیده می‌شد، معابدی بود که کارگاه‌ها و انبارهایی در اختیار داشت و گذشته از آن، انبار غله بزرگی ضمیمه معبد بود. هم‌چنین مناطقی مخصوص سکونت طبقات مختلف اجتماعی شهر با اشکال گوناگون بود. در هر یک از این شهرها، بناهای باشکوهی وجود داشت (سیاسی یا مذهبی) که مشخص‌کننده آن بود.

۵. **پیدایش جامعه طبقاتی:** وقتی اقشار اجتماعی پدید آمد و حکومت شکل گرفت، شکاف طبقاتی در جامعه هویدا گشت و شهر با توجه به ویژگی‌های قشربندی اجتماعی، فاصله طبقاتی بیشتری را نسبت به روستا دارا شد. تمام افرادی که مستقیماً به تولید غذا نمی‌پرداختند از طریق مازاد جمع شده در معبد یا انبار غله سلطنتی تغذیه می‌شدند.

۶. **اختراع خط:** با توجه به پیشرفت‌های یادشده، شهرنشینان ناچار بودند نظام‌هایی را برای ثبت و ضبط معاملات و روابط خود اختراع کنند مثل خط و اعداد و

۷. **پیشرفت علوم ریاضی و نجوم:** اختراع خط باعث گردید تا منشی‌ها و کاهنان در ساعت‌های فراغت از کار روزانه، بتوانند به علوم نظری چون ریاضیات، هندسه و نجوم دست یابند. با اختراع خط، گروهی از انسان‌ها به مرحله بالاتری رسیدند و علوم نظری چون ریاضیات، هندسه، اخترشناسی (نجوم) و ... پدید آمد.

۸. **اجتماع متخصصان تمام‌وقت در شهرها و پیشرفت صنعت و هنر:** گردآمدن صنعت‌گران و هنرمندان تمام‌وقت در شهرها و ارتباطات و تعاملات آن‌ها با یک‌دیگر، موجب پیشرفت و نوآوری در حرف و مشاغل و فنون مختلف شد. با ایجاد مراکز شهری، صنعت‌گران و هنرمندان تمام‌وقت، شامل پیکر تراشان، نقاشان و حکاکان، به خلق نقوش طبیعی پرداختند و در این راه تا حد توان خود موفق گردیدند. مازاد تولید امکان تولید هنر را نیز فراهم ساخت.

۹. **پیدایش و گسترش تجارت اشیای تجملی با مناطق دوردست:** بخشی از مازاد محصول، صرف خرید مواد خام وارداتی می‌گردید که برای مصارف صنعتی و تزیین کاخ‌ها و معابد به کار می‌رفت. این مواد، در محل یافت نمی‌شد؛ بنابراین، مبادلات برون منطقه‌یی و تجارت با مناطق دور، از ویژگی‌های تمدن‌های اولیه بوده است. بخشی از مازاد ذخیره‌شده برای وارد کردن آن دسته از مواد خامی استفاده می‌شد که مورد نیاز شهر بود؛ ولی در شهر موجود نبود.

۱۰. **استقرار روابط سازمان‌یافته سیاسی و حکومتی به جای روابط قومی:** سازمان‌های بزرگ دربار یا معبد از یک‌سو، صنعت‌گران و متخصصان را از لحاظ جا و معیشت تأمین می‌کردند؛ از سوی دیگر، برای آن‌ها از طریق سازمان‌های تجاری وابسته به خود، مواد خام را

فراهم می‌ساختند؛ از این رو، دوران سرگردانی و دوره گردی صنعت‌گری به سرآمد و شهر به صورت جامعه‌یی درآمد که آنان، چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی، جزئی از آن به حساب می‌آمدند. با همه این‌ها، صنعت‌گران برای تأمین زندگی خود مجبور بودند که به یکی از دو سازمان متعلق به معبد یا دربار متکی باشند. در شهر، صنعت‌گران متخصص برای تأمین امنیت خود وابسته به نظام خویشاوندی نبودند؛ بلکه نظام سیاسی تأمین‌کننده امنیت و مواد خام مورد نیاز آنان بود؛ به‌طور خلاصه، براساس این نظریه، برای اولین بار در تاریخ، انسان‌ها آنقدر محصول تولید کردند که بخشی از جمعیت قادر شد تا از کشاورزی رهایی یابد. کنترل این مازاد محصول به وسیله گروه حاکم سبب شد تا سازمان اجتماعی سلسله‌مراتبی شکل گیرد. به نظر چایلد، عامل اصلی تغییرات پایه مادی جامعه است؛ یعنی، شیوه تولید، منابع فیزیکی و فناوری (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۴۳-۴۴).

انواع شهرهای قدیم

شهرهای دنیای قدیم هم مثل امروزی بر اساس علت پیدایی و رشد آن‌ها به گونه‌ها و شکل‌های متفاوتی بود؛ مثلاً شهرهای نظامی، مذهبی، تجاری و... برخی از انواع مهم شهرهای دنیای قدیم این‌هاست:

۱. شهرهای اداری - سیاسی (شهرهای شاهی)

این شهرها دارای دو ویژگی بودند:

الف) حفاظت از منافع توانگران؛

ب) رسیدگی به بخشی از کارهای عام‌المنفعه و عمومی (ایجاد و نگهداری شبکه آبیاری

و...)

احداث عموم شهرها، یعنی محل استقرار ارکان دولتی و نهادهای اداری و سیاسی توسعه پادشاهان، شاهان و برخی از امراء و حکام محلی صورت می‌پذیرفته است و مهم‌ترین نقش و کارکرد این گونه شهرها همین جنبه اداری - سیاسی آن‌ها بوده است؛ همان‌طور که بیان شد، سیاسی-اداری بودن این شهرها موجب می‌شد تا هر حاکمی اجازه ایجاد شهر را نداشته باشد.

از جمله این شهرها باید از هگمتانه توسط (دیاکو) بنیان گذار شاهنشاهی ماد، پاسارگاد و پارسه (تخت جمشید) توسط شاهان هخامنشی و شهرهایی مانند تیسفون و داراب گرد توسط شاهان پارتی نام برد.

۲. شهرهای نظامی

چنان که بیشتر تاریخ دنیای باستان انباشته از هجومها، دست اندازیها و غارت‌هایی بوده که توسط اقوام مهاجر و شاهان و امپراتورهای همسایه و قدرت‌مند صورت می‌پذیرفته و بیشتر تحولات و دگرگونی‌های مهم تاریخی یا حاکی از تصرف شهرها و کشورها توسط بیگانگان یا حاکی از راندن بیگانه‌گان و تثبیت حاکمیت قومی و ملی بوده است؛ بنابراین، حاکمان این شهرها همواره مجبور بوده‌اند از مناطق مرزی در برابر هجوم بیگانه‌گان محافظت کنند و یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای آمادگی در برابر حمله‌های احتمالی، احداث شهرهای مرزی در نقاط حساس بوده است.

۳. شهرهای مذهبی

شهرهای مذهبی یا به دلیل قرار داشتن معابد بزرگ و یا مرکزیت یک مذهب ویژه به وجود می‌آمدند یا رشد می‌کردند و بیشترین کارکرد این شهرها در پهلوی کارکرد تجاری و سیاسی آن‌ها، کارکرد مذهبی بود؛ چون شهرهایی مثل اورشلیم، مکه، مدینه، بنارس، اونتاش هویان و ...

۴. شهرهای بازرگانی- تولیدی

منظور از شهرهای بازرگانی - تولیدی در دنیای قدیم شهرهایی هستند که بخش مهمی از نیروی کار در آن‌ها صرف تولید و تجارت صنایع دستی می‌شده است. این شهرها یا در مسیر راه تجاری و بازرگانی قرار داشتند و یا در کنار بندر دریایی و یا هم نزدیک مرکز سیاسی تمدن‌های ثروتمند دنیای قدیم. یکی از کهن‌ترین شهرهای شناخته‌شده در این سرزمین «شهر سوخته» می‌باشد. شهر سوخته که در فاصله بین ۲۹۰۰ تا ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد، یعنی حدود پنج هزار سال پیش از این در دهانه رود هلمند در سیستان، مسکون و آباد بوده است و به دلایل نامعلومی از بین رفته است دارای صنایع دستی و روابط تجاری با سایر سرزمین‌ها بوده‌اند. عده‌یی از صنعت‌گران شهر مزبور مصروف

صنایع حصیربافی، سنگ تراشی، کوزه گری و تهیه جواهرات و ساختن اشیای زینتی از سنگ لاجورد و فیروزه کار بودند.

عناصر و اجزای شهرهای قدیم (مورفولوژی شهر)

شهرهای دنیای قدیم در تمدن‌های مختلف دارای ویژگی‌های مشترک زیادی بودند. در پی نگاهی کوتاه به شهرهای آریانای قدیم قبل و بعد از اسلام می‌اندازیم تا عناصر و اجزای این شهرها را بهتر بشناسیم.

فرایند شهرنشینی و شهرسازی آریانای قدیم حدوداً از قرن نهم قبل از میلاد شروع می‌شود و تا قرن هفتم میلادی ادامه دارد (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۶۰). شهرهای دنیای قدیم این منطقه (آریانای قدیم) در قبل از اسلام دارای عناصر و بخش‌های زیر بوده‌اند:

۱. **کهندژ:** جایگاه و سکونت گاه پادشاه، حکام و درباریان. این بخش در مرکز و بهترین نقطه شهر و اغلب در سطحی بالاتر از سایر نقاط جای داشت و توسط دروازه‌یی به خارج راه داشت. برای هر کهندژ برج، بارو و خندق برای حفظ ساکنانش ساخته می‌شد. کهندژ دارای سامانه‌یی مستقل و خودکفا بود.

۲. **شارستان:** سکونت گاه دیوانیان، اشراف و سپاهیان. این بخش نیز دارای حصار و دیگر استحکامات لازم بود. شارستان در دوره سلوکیان و پارتیان به دلیل نظام طبقاتی و اجتماعی، توسعه یافت و از اهمیت بسیار برخوردار شد و اداره امور آن بر عهده شهرنشینان قرار گرفت. در دوره ساسانیان در پی تکوین سازمان سیاسی و دستگاه متمرکز حکومتی و ازدیاد شایان توجه تعداد کارکنان اداری (دبیران) بخش شارستان هر شهر توسعه یافت و به بخش مهمی تبدیل شد. در این عصر برای استفاده از نیروی کار اسرای جنگی، صنعت گران و کارگران این افراد را نیز در شارستان سکونت دادند.

۳. **سواد (حومه):** در حومه اغلب شهرها و روستاها سکونت گاه‌هایی برای کشاورزان و گاه پیشه‌وران احداث می‌شد یکی از ویژگی‌های سواد، توسعه متوازن آن با شهر بود که احداث و سازمان‌دهی آن همراه با بنای شهر صورت می‌پذیرفت.

۴. میدان: در شهرهای قبل از اسلام، میدان بیش از آن که فضایی اجتماعی باشد، فضایی اداری-سیاسی به شمار می رفت آداب و آیین های رسمی در میدان به جا آورده می شد. همچنین میدان فضای تشریفاتی برای دستگاه حکومتی بود؛ به همین دلیل در نزدیکی کاخ های سلطنتی و مراکز مهم سیاسی شکل می گرفت.

۵. بازار: قبل از دوره ساسانیان بازار محلی برای خرید و فروش برخی از کالاها بوده است؛ اما با توجه به ساخت اقتصادی کشور و کارکرد شهرها به جز شهرهای بندری در سایر شهرها بازار به عنوان عنصر مهم شهری که دادوستد و تولید بعضی از کالاها در تمام طول سال در آن جریان داشته باشد هنوز شکل نهایی خود را نیافته بود. دوره ساسانیان در اثر رواج بازرگانی داخلی و توسعه شهرها و شهرنشینی بازارها اهمیت ویژه یی یافتند اهمیت و نقش بازار در سازمان اجتماعی چنان شد که برای بازارها، رئیسی موسوم به «وزاربد» انتخاب می شد که مسؤول رسیدگی به کار اصناف و تشکیلات اداری مربوطه بود. بازار علاوه بر عرضه کالا محل مجازات و اعدام مجرمان نیز بود.

شهرهای اسلامی

بسیاری از دانشمندان اسلام را یک دین شهری می دانند و این بیشتر به دلیل طبیعت اجتماعی و عبادت های جمعی است که در اسلام روی آن ها تأکید شده است (Saoud, ۲۰۰۲). دانشمندان دیگری (Hassan, ۱۹۷۲), (Fischel, ۱۹۵۶) نیز به طبیعت شهری اسلام اشاره کردند. گسترش شهرنشینی در بسیاری از مناطق آسیا، آفریقا و اروپا در قرون میانه مرهون طبیعت جمع گرای دین اسلام و عبادات جمعی آن می دانند. شهر و شهرنشینی بعد از ورود اسلام به منطقه خراسان قرن هفتم میلادی برابر با قرن اول هجری رشد نمود. با هجوم اعراب به ایران، شهرنشینی در این منطقه رونق بسزایی داشت؛ بنابراین، فاتحان عرب نیز برای استقرار حکومت خود کار شهرنشینی و شهرسازی را دنبال کردند. از شهرهای مهمی که در این دوره بنیاد نهاده شد می توان شهرهای بغداد، سامره، بصره، کوفه، قم، مشهد، کاشان و... را نام برد. کوری و طاهر (۲۰۱۵) نیز نشان دادند که چگونه طبیعت جمع گرای اسلام باعث ایجاد مورفولوژی خاصی در شهرهای اسلامی شده قسمی که فشردگی و نزدیکی محلات و خانه ها را باعث شده است؛ همان طوری که

براون و همکاران او (Brunn and et al. ۲۰۰۳) اظهار داشته‌اند، شکل‌گیری شهرهای منطقه خاورمیانه، از جمله ایران، همواره تحت تأثیر دو عامل مهم، آب‌وهوای گرم و خشک و وجود دین اسلام بوده است (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۶۷).

بحث درباره الگوی «شهر اسلامی» از تاریخچه طولانی برخوردار نیست و طرفه این که گشودن این باب و مطالعه هم مرهون توجه غربی‌ها است... در بررسی مطالعات شهرهای اسلامی، دو گرایش عمده مبتنی بر دو مبنای متمایز وجود دارد: گرایش اول، با مدنظر قرار دادن تجربه شهرنشینی در تاریخ اروپا، بر اساس الگویی از شهر اسلامی مسلمان که به نوعی بازتاب برخی از جریان‌ها و شاخص‌های شهرنشینی است، سامان می‌دهد. این گرایش، شهر اسلامی را عاری از هویت مستقل و نهادهای مدنی و توسعه‌یافته‌گی زندگی شهری و اندیشه شهروندی می‌داند. گرایش دوم، با نگاهی انتقادی به گرایش نوع اول، در الگوی شهر اسلامی، عامل دین اسلام را مسلط می‌داند که تمامی شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبد شهری بر اساس این عامل نظام و هویت می‌یابند. متأسفانه مطالعات در این زمینه هنوز در آغاز راه است و نتوانسته به اندازه کافی رشد کند (یوسفی‌فر، ۱۳۸۲: ۴۲).

اسلام بر ظاهر و ریخت‌شناسی شهر و نیز کارکرد شهرها تغییراتی ایجاد کرد و شهرهای قدیم این منطقه به شهرهای اسلامی تبدیل شد و شهرهای اسلامی نوری هم از پایه ایجاد گردید. در این دوره، سازمان دینی در بنیان‌گذاری شهر نقشی زیادی داشت و مسجد جامع یا آدینه از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهر به حساب می‌آمد (شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۶۳).

در دو قرن اول و دوم هجری، وضعیت این منطقه خوب نبود؛ چون پس از فروپاشی امپراتوری ساسانی و حاکمیت اعراب، بیشتر مردم مجبور بودند خراج و ده‌یک و مالیات زیادی به حکام عرب بپردازند که تقریباً همه به مرکز خلافت انتقال داده می‌شد و شهرهای این منطقه از نفع آن بی‌بهره بودند. پیدایش حکومت‌های محلی (طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، غوریان...) در قرن‌های سوم و چهارم هجری به بهبود اوضاع اقتصادی منطقه منجر شد؛ زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای از خراج و دیگر عوارض و مالیات‌هایی که از مردم گرفته می‌شد در داخل همین سرزمین به مصرف احداث کانال‌های آبیاری، حفر قنات و آبادانی شهرها می‌رسید. محاسبه با

روش دقیق تجربی و ریاضی برای تعیین عیار سگه‌ها (پیدایش علم جبر و مقابله) و ... به عمل می‌آمد.

شهرهای اولیه اسلامی از قبیل الفوستات، تونس و رباط در مغرب به منظور تعلیم و آموزش اسلام برپا شدند و نقش ارگ یا دژ ایمان را ایفا کردند... آن‌ها را دارالهجره نامیدند؛ یعنی مکانی که مسلمانان به آنجا می‌آمدند تا زندگی اسلامی را در عمل پیاده کنند.

شماری از عوامل وجود دارند که در زمینه نظم و طرح ظاهر شهر اسلامی نقش قاطعانه‌ی ایفا کردند. شهر اسلامی علاوه بر موقعیت طبیعی (توپوگرافی) محلی و ویژگی‌های کالبدی، بازتاب‌دهنده ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی عام جامعه جدیدالتأسیس بود؛ به‌طور کلی، این عوامل به شرح زیر است:

قوانین طبیعی

یعنی سازگاری طرح و شکل ساختمانی شهر با شرایط طبیعی (توپوگرافی) و شرایط آب و هوایی بوده است... حیات خلوت، خیابان‌های پوشیده و باریک، باغ‌ها و... بیانگر این شرایط بوده‌اند.

باروهای فرهنگی و مذهبی

کانونی بودن مراکز مذهبی چون مسجد در شهرهای اسلامی...

اصول طراحی منشعب از قانون شریعت

قلمروهای خصوصی و عمومی میان گروه‌های اجتماعی و محل‌ها و اصل حریم شخصی... ارتفاع دیوارهای خانه‌ها....

اصول اجتماعی

عواملی چون ساختار خانواده گسترده، حریم شخصی، تفکیک جنسی و تعامل اجتماعی نیرومند به وضوح در شکل ساختمانی متراکم منازل حیاطدار متجلی و متبلور بوده است.

مؤلفه‌های کالبدی شکافی شهر اسلامی

در بین محققانی همچون حمدان (۱۹۶۲)، اکیلمن (۱۹۸۱)، حکیم (۱۹۷۶) و السید (۱۹۹۱) نوعی اجماع کلی وجود دارد. شهر اسلامی دارای ویژگی‌های خاص زیر می‌باشد:

۱. مسجد اصلی: در قلب شهر واقع بود که معمولاً سوق (بازار) آن را احاطه کرده است.
 ۲. سوق (بازارها): خارج از مسجد اصلی برای فعالیت‌های اقتصادی... با توزیع ماهیتی اجناس و دکان‌ها قسمی که اجناس مقدسی چون شمع، عصر، کتاب و... در نزدیک مسجد و بقیه کالاها به فاصله دورتری قرار داشتند.
 ۳. ارگ: که به قصبه مشهور است نمود حاکم بود و دور آن دیوار داشت با بخش‌هایی چون مسجد، باغ‌ها، دفاتر و... برای ساکنان خود بود و معمولاً در بخش بالایی شهر قرار داشت.
 ۴. مناطق مسکونی: که اغلب بر اساس قومیت و نزدیکی در محله‌هایی متراکم با مسجد، مدرسه، نانوايي، مغازه و مسائل ضروری دیگر.
 ۵. شبکه خیابانی: که محله‌های مختلف را به یک‌دیگر و به مرکز شهر وصل می‌کرد و کاربری‌های مختلفی داشت.
 ۶. دیوار: دیوار مستحکمی که با تعدادی دروازه شهر را در برمی‌گرفت.
 ۷. نمای خارجی: در بیرون دیوار شهر، قبرستان‌ها، بازار هفته‌گی و... (غنی‌زاده، ۱۳۹۱).
- عناصر و اجزای شهر (مورفولوژی شهر) در شهرهای اسلامی - ایرانی چنین بود:
۱. **محله‌ها:** هر محله دارای تأسیسات و تجهیزات تقریباً مستقلی برای رفع نیاز اهالی محله بود مرکز محله مهم‌ترین قسمت محله بود که در تقاطع راه‌های اصلی و در بهترین موقعیت محله شکل می‌گرفت. دسترسی و موقعیت محله نسبت به بازار و راه‌های اصلی شهر و بنیان‌گذاران فضاهای خدماتی و قدرت اقتصادی اهالی محله، جایگاه محله را نسبت به محله‌های دیگر تعیین می‌کردند هر محله دارای مسجد، کدخدای و در بعضی از موارد دارای دروازه بوده است. همچنین هر محله توسط یک‌راه اصلی به بازار وصل می‌شد.
 ۲. **بازار:** واژه بازار در زبان پهلوی به صورت «واکار» به کار می‌رفته و در پارسی باستان به صورت «آباکاری» (آبا به محل اجتماع، کاری= چریدن) به معنی محل اجتماع و خرید و فروش بوده است. بازار منحصر به شهرها نبوده است؛ بلکه در نواحی روستایی نیز (بازارهای

موقت) تشکیل می شد؛ پس بازارها به دو شکل (بازارهای دائمی) و (بازارهای موقت) بوده است. هسته اولیه اغلب بازارها واقع در شهرها در حوالی یکی از پرجنب و جوشی ترین دروازه ها تشکیل می شد. این هسته نخست در «ربض» (شار بیرونی) و پشت دروازه شهر و گاه در داخل شهرستان و نزدیک به دروازه شکل می گرفت و سپس در داخل شهرستان و ربض گسترش می یافت گاهی ربض ها آن چنان رشد می کردند که شهرستان از رونق می افتاد گسترش بازار در داخل شهر از سوی دروازه در امتداد راه یا راه های اصلی شهر تا مرکز آن امتداد می یافت.

چهارسوق بازار محل تقاطع دو راسته اصلی بازار و محل استقرار بازرگانان بزرگ و جایگاه کاروان سراهای بزرگ در ابتدای بازارها بود. بازار به علاوه این که محل دادوستد و بازرگانی بود جایگاه عناصر مهم شهری مانند مسجد جامع، مدرسه های مذهبی، خانقاه و گرمابه ها، محل برگزاری جشن و سوگواری، محل مجازات مجرمان و تهدید مخالفان قدرت، مکانی برای اعتراض علیه سلاطین و مقابله با عوامل خارجی و... نیز بوده است.

۳. **مسجد:** به گفته شارع پور، شهر دوره اسلامی دارای دو پایه اصلی بود: مسجد جامع و بازار (شارع پور، ۱۳۸۹: ۶۴). مسجد جامع در اوایل دوره اسلامی مرکز مذهبی و سیاسی بود. بنای آن در کنار خیابان اصلی شهر، در محوطه بزرگ مستطیل بود و در کنار آن ساختمان های اصلی دولتی قرار داشت. این مسجد محل ابلاغ فرمان های حکومتی هم بود و کارکرد علمی هم داشت. وجود یک مسجد جامع عظیم و زیبا نشانه قدرت و ثروت شهر و حاکم شهر به حساب می آمد (فکوهی، ۱۳۸۵). اسلام به علاوه تأثیرات روحی بر افراد، بر شکل و ساختار سکونت گاه ها و شهرها نیز مؤثر بوده است؛ طوری که مسجد به زودی به سمبل شهر اسلامی تبدیل شد. شاید بتوان گفت که ظهور مسجد مهمترین تغییر فیزیکی اسلام در شهرهای ایرانی بود (شارع پور، ۱۳۸۹: ۶۴).

۴. **میدان:** میدانی هم یکی از بخش های اصلی شهر بود که هم در شهرهای قبل از اسلام وجود داشت و هم در شهرهای بسیاری از تمدن های دیگر؛ اما میدان در شهرهای اسلامی به تناسب شهرهای یونانی که در آن جایگاه ویژه ای داشت، آن قدر بزرگ و مهم نبود؛ با آنهم میدان ها کارکردهای زیادی داشت از جمله: تجمع سپاهیان برای مقابله با عوامل خارجی در میدان،

تجمع سپاهیان و مردم در هنگام جشن و اعیاد، بازارهای موقت در میدان شهر، مکانی برای خوش گذرانی (شعبده‌بازان، نقالان، کشتی‌گیران، رقاصان و ...)، محلی برای قدرت‌نمایی حکومت و مجازات مجرمان و

۵. **ارگ و بارو:** ارگ داخلی که برای استقرار حاکم شهر، مأموران و نظامیان (کهن دژ قبل از اسلام) که در محلی مرتفع احداث می‌گردید و متصل به باروی شهر بود. ارگ و برج و بارو در شهرهای ایرانی قبل از اسلام هم اهمیت ویژه‌ای داشت؛ به‌خصوص که به‌علاوه کارکرد سیاسی - نظامی کارکرد اجتماعی طبقاتی هم داشت و جای حاکمان، حرم‌سرا و ... بود.

نتیجه‌گیری

شهر و شهرنشینی یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ بشر است که تمدن انسانی تا حد زیادی محصول این برهه‌ی از تاریخ بشر در روی زمین است. شهرنشینی در آخرین بخش از رشد انسان امروزی (هومو ساپین) اتفاق افتاد و باعث شد انسان‌ها با ایجاد سکونت‌گاه‌های دایمی از کوچ‌نشینی و کوچ‌گری نجات‌یافته فرصت بیشتری برای کار روی زمین و طبیعت به دست آورد و بتواند خیلی سریع‌تر از گذشته ابزارسازی را رشد دهد و بر طبیعت تسلط یابد. شهرنشینی تاریخ تقریباً ده‌هزارساله دارد و قدیم‌ترین شهرهای دنیای در منطقه‌ی خاورمیانه و خاور دور ساخته شده بود. شهرهای قدیم بیشتر از عوامل طبیعی و جغرافیایی متأثر بوده اغلب به تناسب شهرهای امروزی خیلی کوچک و محدود بوده است. شهرهای قدیم بیشتر در پاسخ به یکی از کارکردهای اصلی سیاسی-اداری، مذهبی، نظامی و یا بازرگانی رشد می‌نمودند. متناسب با کارکرد این شهرها و جغرافیا و محیط اطراف‌شان، مورفولوژی آن‌ها نیز متفاوت بوده است؛ ولی بیشتر شهرهای قدیم آسیای مرکزی و خاورمیانه بخش‌هایی چون کهندژ، شارستان، میدان، سواد (حومه)، بازار با محوریت معابد یا اماکن مذهبی برخوردار بودند که توسط دیوارهای ضخیم حفاظتی-دفاعی از خارج شهر جدا می‌شدند. اسلام که به‌باور بسیاری از اندیشمندان، یک دین شهری است که در شهر تولید یافت و رشد نمود، عامل رشد بسیاری از شهرها در جهان اسلام شد. شهرهای اسلامی، متأثر از اندیشه و جهان‌بینی اسلامی از مورفولوژی خاصی برخوردار بودند که با محوریت مسجد، دارای محله‌های به‌هم‌پیوسته، بازار، میدان و ارگ و بارو بودند. مطالعه‌ی ریخت‌شناسیک شهرهای

اسلامی کار جدیدی است که توجه تعدادی از جغرافی دانان و عالمان اجتماعی را به خود جلب نموده است و هنوز در آغاز راه قرار دارد. انتظار می رود یافته های این مطالعات، ابعاد جدیدی از چگونگی رشد و توسعه شهرهای اسلامی و رابطه ریخت شناسی با فرهنگ و آموزه های دینی در این شهرها را مشخص سازد.

سرچشمه ها

۱. آصفی، حمدالله. (۱۳۶۸). **نگرشی بر شهر و شهرنشینی**. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره پنجم. شماره اول.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۸۲). **مقدمه ابن خلدون**. ترجمه محمد پروین گنابادی. چاپ دهم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. حسینی، سیدعلی. (۱۳۹۰). **اصول و مبانی برنامه ریزی شهری و روستایی**. رشت: انتشارات دریای دانش.
۴. ربانی، رسول. (۱۳۸۵). **جامعه شناسی شهری**. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۵. شارع پور، محمد. (۱۳۸۹). **جامعه شناسی شهری**. تهران: انتشارات سمت.
۶. یوسفی فر، شهرام. (۱۳۸۲). **تاریخ شهر و شهرنشینی در جوامع اسلامی**. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره ۷۴.
۷. غنی زاده، مسعود. (۱۳۸۵). **نگاهی به شهر در تمدن اسلامی**. راهبرد. شماره ۷. پاییز ۱۳۸۵.
۸. _____ . (۱۳۹۱). **نگاهی به شهر در تمدن اسلامی**. سایت معارف قرآن. لینک: <http://maarefquran.org/index.php/page.viewArticle/LinkID,8965>
۹. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). **انسان شناسی شهری**. چاپ دوم. تهران: نشر نی.
۱۰. نظریان، اصغر. (۱۳۷۲). **تاریخ و دیدگاه های پیدایش شهر و شهرنشینی**. مجله دانشکده ادبیات. شماره ۲ و ۳.

11. Correia, Jorge and Taher, Muath. (2015). 'TRADITIONAL ISLAMIC CITIES UNVEILED: THE QUEST FOR URBAN DESIGN REGULARITY', Revista Gremium®, Vol. 2, No. 04, México, D. F

۱۲. Fischel, I.W. (1956). 'The City in Islam', Middle Eastern Affairs, Vol.7, pp. 227

۱۳. Hassan, R. 1972 'Islam and Urbanization in Medieval Middle East', in Ekistics, Vol.33, pp. 108

۱۴. Saoud, Rabah. (2002). 'Introduction to the Islamic City', Foundation for Science, Technology and Civilization. London. <http://www.fstc.co.uk>